

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/01/26

موضوع: «مهمان»، «مهمان پذیر» و «مهمانی» سه کلیدواژه مهم ماه مبارک رمضان!

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

«مهمان»، «مهمان پذیر» و «مهمانی» سه کلیدواژه مهم ماه مبارک رمضان!

کلیدواژه اول ماه مبارک رمضان: مهمان

کلیدواژه دوم ماه مبارک رمضان: مهمانی

کلیدواژه سوم ماه مبارک رمضان: مهمان پذیر

ماجرای همت پیر زن بنی اسرائیل چیست؟!

قدرت اشک چشم، در حل مشکلات دنیوی و اخروی!

چند سفارش ویژه، برای بهره برداری مطلوب از ماه مبارک رمضان!

آیا مکان قبر حضرت یوسف (علیه السلام) مشخص است؟!

تماس‌های بینندگان برنامه

پنج دلیل در اینکه آیه تطهیر شامل همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی شود!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين يا أيها الناس قد أقبل إليكم شهر الله بالبركة و الرحمة و المغفرة

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر».

در ابتدا خداوند را هزاران بار سپاسگزار و شاکریم که این توفیق را به ما داد تا بار دیگر ماه مبارک رمضان، ماه ماهها را درک کنیم و به ما اجازه حضور مجدد در این میهمانی پرفضیلت و پربرکت را عطا فرمود.

در اولین شب جمعه شهر الله ماه مبارک رمضان محضر همه شما خوبان برنامه «حبل المتین» را تقدیم می‌کنیم، برنامه‌ای که این افتخار را داریم تا در محضر حضرت آیت الله حسینی قزوینی باشیم.

ابتداءً سلام و عرض ادبی محضرشان داشته باشیم و از حسن مطلع‌های زیبای فاطمیشان استفاده کنیم، به سراغ موضوع برنامه برویم و سؤالاتمان را مطرح کنیم. سلام عرض می‌کنم، در خدمت شما هستیم؛

آیت الله حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هر کجای این گیتی پهناور بیننده برنامه هستند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه عزیزان و گرامیان به ویژه در این ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت الله آرزو می‌کنم.

خدا را به صاحب این ماه، حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سوگند می‌دهم در این ماه به ما توفیق عنایت کند تا در این ماه رضایت خودش و رضایت ولی او را به دست بیاوریم.

ما هم طبق برنامه‌های همیشگی به جهت اینکه خودمان، شبکه، برنامه، بینندگان و دست اندرکاران را بیمه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کنیم، یادی از فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داشته باشیم.

یکی از بزرگترین مصائبی که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) بعد از رحلت نبی مکرم اسلام تحمل کردند، قضیه احراق بیت و آتش زدن خانه آن بزرگوار بود.

اگر بتوانیم از کنار تمامی مصائب به سادگی عبور کنیم، به هیچ وجه نمی‌توانیم قضیه آتش زدن خانه حضرت فاطمه زهرا را تحمل کنیم.

«مرحوم شیخ صدوق (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «خصال» جلد دو صفحه 603 و «مرحوم شیخ مفید» در کتاب «أمالی» صفحه 49 این مسائل را مطرح می‌کنند.

افراد دیگری از بزرگان قضیه آتش زدن خانه حضرت صدیقه طاهره را مطرح کردند. شاعر هم تعبیر زیبایی دارد و می‌نویسد:

باغبان در باغ بود و باغ را آتش زدند

باغ را در پیش چشم لاله‌ها آتش زدند

آتش افروزان گلچین در حصار شعله‌ها

غنچه را چیدند و گل را هم جدا آتش زدند

هست و بود مرتضی یک لاله بود آن هم بسوخت

یعنی آنکه هرچه بود از مرتضی آتش زدند

مخصوصاً جلوی چشم امیرالمؤمنین کسی که در تمام غزوات و جنگ‌ها فتح و پیروزی به نام او رقم خورده بود، اما به خاطر وصیت نبی گرامی اسلام و رعایت مصالح اسلام و جلوگیری از اختلاف و تفرقه میان مسلمین، صبر و تحمل کرد و این مصائب را جلوی چشمش دید.

من علی‌ام که خدا قبله نما ساخت مرا

جز خداوند و نبی و فاطمه نشناخت مرا

من که یکباره در قلعه خیبر کندم

غم زهرا به خدا از کمر انداخت مرا

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمه الزهراء!

مجری:

احسنتم، طیب الله انفاکم. حضرت استاد بسیار لطف کردید. الحمدلله این توفیق را داشتیم تا این ماه مبارک و این جلسه را که در اولین شب جمعه ماه مبارک آغاز شد، با سخنان حضرت استاد، رنگ و بوی فاطمی داشته باشد.

ان شاءالله تا آخر این ماه مبارک دل‌هایمان را فاطمی نگاه داریم تا ان شاءالله اهل بیت (علیهم السلام) گوشه چشمی به دل‌های ما داشته باشند.

ما به مناسبت ورود در ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت الله، سؤال اول خود را به همین موضوع اختصاص دادیم. شما بیندگانی که همواره همراه شبکه هستید و برنامه‌های حضرت استاد را پیگیری می‌کنید، احتمالاً با سبک و سیاق پاسخگویی حضرت استاد آشنا هستید.

ما هرگاه سؤال و مسئله‌ای را از حضرت آیت الله حسینی قزوینی می‌پرسیم، اشاره می‌کنند که در روایات این چنین آمده و ما هم باید با همین برخورد پیش برویم و همین گونه نگاه کنیم.

حال نسبت به ماه مبارک رمضان چیزی که زیاد مطرح می‌شود، این است که ظاهراً رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) خطبه‌ای داشتند و به برخی ویژگی‌های این ماه مبارک اشاره کرده‌اند.

حال ما می‌خواهیم ویژگی‌های این ماه مبارک را در لسان نبی مکرم اسلام بشنویم، از زبان شما و تحلیل‌های زیبای شما استفاده می‌کنیم.

«مهمان»، «مهمان پذیر» و «مهمانی» سه کلیدواژه مهم ماه مبارک رمضان!

آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير يا أبا صالح المهدي ادرکنی

رسول گرامی اسلام در خطبه آخرین جمعه ماه شعبان مفصل در رابطه با فضیلت، اعمال و ویژگی‌های ماه مبارک رمضان مطالبی مطرح کرده‌اند.

«مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» صفحه 93 مفصل این مطالب را آورده است. همچنین در کتاب «فضائل الأشهر الثلاثة» مفصل در خصوص ویژگی‌های این ماه مطالبی آمده است. عمده‌ترین فراز این خطبه، تعبیر پیغمبر اکرم است که می‌فرماید:

«هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاقَةِ اللَّهِ»

این ماه، ماهی است که همه را به مهمانی خدا دعوت کرده‌اند.

الألمالي (للسدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: 381 ق، ناشر: کتابچی،

تهران، 1376 ش، ص 93، ح 4

بنده گمان می‌کنم از این بهتر نمی‌شود گفت. اگر بگویند فلان مرجع تقلید یا مقام معظم رهبری یا فلان رئیس جمهور، شما را به افطاری دعوت کرده است، چقدر برای افراد مایه فخر و مباهات است که در کنار رئیس جمهور یک کشور یا رهبر یک کشور بنشینند و افطار کنند.

در این ماه کسی که دعوت کرده است، خداوند عالم است. در اینجا سه مسئله وجود دارد؛ مسئله اول، «مهمان» است. مسئله دوم، «مهمان پذیر» و دعوت کننده است و مسئله سوم، «مهمانی» است. اگر این سه مسئله را از همدیگر تفکیک کنیم، بسیار خوب خواهد شد.

کلیدواژه اول ماه مبارک رمضان: مهمان

مسئله اول این است که بندگان خدا مهمان خدا هستند. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«أكرم ضيفك و ان كان حقيرا»

مهمان را اکرام و احترام کنید هرچند بسیار کوچک باشد.

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید

مهدی، ص 136، ح 117

یا:

«وَ أَكْرِمِ الضَّيْفَ وَ لَوْ كَانَ كَافِرًا»

جامع الأخبار، نویسنده: شعیری، محمد بن محمد، ص 84، الفصل الأربعون فی فضیلة بر الوالدین

هرچه مهمان کوچک هست، کسی که به مهمانی دعوت کرده بزرگ است. ما باید کوچکی خودمان و به تعبیر امام خمینی، ذلت عبودیت را در برابر عزت ربوبی حفظ کنیم. امام سجاد (علیه السلام) تعبیر بسیار زیبایی دارد. حضرت می‌فرماید:

«فَارْحَمْنِي- اللَّهُمَّ- فَإِنِّي أَمْزُؤُ حَقِيرٌ، وَ خَطَرِي يَسِيرٌ»

خدایا به من رحم کن، زیرا من بنده کوچکی هستم و کاری از من ساخته نیست.

«وَ لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»

عذاب من به اندازه مِثْقَالَ ذَرَّة‌ای در عظمت و سلطنت و ملک تو اثر نمی‌گذارد.

الصحيفة السجادية، نویسنده: علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، ص 248، باب (50) (وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّهْبَةِ:)

تعبیر دیگری هم از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است. همچنین تعبیری در مناجات شعبانیه آمده است که ان شاء الله بینندگان عزیز ما حتماً در ماه شعبان قرائت کرده‌اند.

مناجات شعبانیه مناجاتی است که ائمه اطهار (علیهم السلام) همگی این مناجات را می‌خواندند و با خداوند عالم گفتگویی داشتند.

به تعبیر آیت الله جوادی آملی، ناز و نیازی در این مناجات است. همه وقت هم نباید نیاز و التماس و درخواست از خداوند عالم باشد. گاهی اوقات کودکی که شیرین زبان است، در آغوش پدر و مادر ناز می‌کند. پدر و مادر هم قطعاً با رأفتی که دارند، ناز فرزندشان را می‌کشند.

همیشه نباید از باب نیاز و درخواست، در خانه خدا برویم و بگوییم: خدایا عذابم نکن، خدایا مرا به جهنم نبر، خدایا رسوایم نکن، خدایا گرفتارم نکن یا خدایا به من فرزند بده؛ خوب است بعضی اوقات نزد خداوند عالم برویم

و بسیار صمیمی و خودمانی با الله تبارک و تعالی حرف بزیم. بهتر است گاهی اوقات همانطور که کودک برای پدر و مادرش حرف می زند و ناز می کند، ما هم برای خداوند متعال ناز کنیم.

مناجات شعبانیه دعای تمامی ائمه اطهار (علیهم السلام) از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است. در فرازی از این دعا آمده است:

«إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُزْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ»

جمله بسیار زیبایی است. دوستان این جمله را حفظ کنند و در قنوت نمازشان یا در لابه لای نماز یا بعد از آیه:

(مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ)

خداوندی که مالک روز جزا است.

سوره فاتحه (1): آیه 4

بخوانند. دعا کردن در لابلای سوره حمد هیچ اشکالی ندارد. البته بعضی از آقایان می گویند که جمله فارسی آن اشکال دارد، اما عمده مراجع می گویند اگر دعا عربی باشد هیچ اشکالی ندارد.

«إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُزْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ»

خدایا اگر به من بگویی چرا گناه کردم، می گویم که چرا عفو و کرمت اینقدر بخشش داشت.

به تعبیر بعضی از عزیزان در در مناجات می گویند: خدایا اگر گناهم را به رخم بکشی، من هم عفو و کرمت را به رخت می کشم!!

«وَ إِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ»

خدایا اگر گناهانم را به رخم بکشی، من هم مغفرتت را به رخت می کشم.

خدایا اگر مداوم بگویی: ای بنده من! چرا گناه کردی؟ چرا غیبت کردی؟ چرا دروغ گفتی؟ من در برابر هزاران چرایی که از من می‌پرسی، یک سؤال می‌پرسم و می‌گویم: خدایا چرا اینقدر مغفرتت را وسیع کردی؟! خدایا من هم مغفرت و رحمتت را به رخت می‌کشم!!

«وَإِنْ أَدْخَلْتَنِی النَّارَ أَغْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّیْ أَحِبُّکَ»

در اینجا دو تعبیر می‌توان داشت. یک تعبیر که بسیار عوامانه و خودمانی است، این است که می‌گویم خدایا اگر مرا وارد جهنم کنی فریاد می‌زنم و می‌گویم: ای مردم! شما را به خاطر کفر و شرک و گناهتان به اینجا آورده‌اند، اما من خدا را دوست داشتم و مرا به اینجا آوردند!!

در این صورت می‌گویم: خدا دوستش را به آتش جهنم آورده است و داد و بیداد می‌کنم و رسوایی به بار می‌آوردم.

تعبیر دیگری هم وجود دارد که غالباً بزرگان و شارحین عبارات معصومین این تعبیر را دارند. تعبیر چنین است:

«وَإِنْ أَدْخَلْتَنِی النَّارَ أَغْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّیْ أَحِبُّکَ»

خدایا اگر من را وارد آتش جهنم کنی، بازهم محبت تو از دلم بیرون نمی‌رود.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلامی،

علاءالدین، ص 48، الفصل الثانی فی بیان أعمال کل یوم من آیام شعبان

خدایا من همه جا می‌گویم که دوستت دارم. اگر مرا عذاب کنی، اگر مرا به بهشت ببری یا اگر جهنم ببری باز هم دوستت دارم. خدایا اگر مرا با محمد و آل محمد محشور کنی دوستت دارم و اگر با دشمنانت هم محشورم کنی بازهم دوستت دارم.

خدایا من تنها یک چیز بلد هستم و آن هم اینکه اگر مرا به آتش جهنم ببری، دشمنانت خوشحال می‌شوند. خدایا دشمنانت می‌گویند که ما یک عمر کفر و شرک و گناه کردیم به جهنم آمدیم، اما این شخص که یک عمر «یا الله» و «یا علی» و «یا حسین» می‌گفت را هم اینجا آوردند.

«وَإِنْ أَدْخَلْتَنِی الْجَنَّةَ فَفِی ذَٰلِکَ سُورٌ نَّبِیْکَ وَ أَنَا»

خدایا اگر من داخل بهشت کنی، پیغمبرت و من خوشحال می‌شویم.

خدایا! اگر مرا به بهشت ببری، پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، امام صادق، امام باقر و حضرت حجة بن الحسن خوشحال می‌شوند.

«وَ اللّٰهُ اَعْلَمُ اَنَّ سُورَۃَ نَبِیْکَ اَحَبُّ اِلَیْکَ مِنْ سُورِۃِ عَدُوْکَ»

خدایا من می‌دانم اگر پیغمبر اکرم خوشحال شود، تو بیشتر دوست داری.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 101، الفصل الثانی فی بیان أعمال کل یوم من آیام شعبان

انسان بیاید از این دعاها کیفیت صحبت با خدا را یاد بگیرد. لازم نیست دعای کامل را از اول تا آخر بخوانیم، بلکه جملاتی در این دعا هست که می‌توانیم آنها را یاد بگیریم و در سجده نمازمان آن جملات را چندین مرتبه تکرار کنیم تا تمام ذرات وجودمان غرق در دریای رحمت الهی شود.

خداوند عالم مهربان است، خداوند عالم کریم است، خداوند عالم صاحب عفو و صاحب کرم است. کرم خداوند حد و حسابی ندارد، کرم الهی وقت و اجل معینی ندارد. کرم پروردگار قابل توصیف نیست.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرمایند: وصف تو فراتر از توصیف است! هرچه مادحین و سخنرانان ورزیده بخواهند اوصاف تو را بیان کنند، به قدر عقل محدود و مقیدشان توصیف می‌کنند و تو فراتر از آن هستی.

انسان در این ماه همینطور با خداوند عالم راز و نیاز کند و به تعبیر آقایان با خداوند عالم ناز کند. وقتی کودک می‌بیند پدر و مادر خواسته‌اش را برآورده نمی‌کنند، با زبان گلایه شروع به صحبت می‌کند و می‌گوید: تو پدر من هستی، تو مادر من هستی. پس آن محبت پدر و مادری چه شد!

حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) تعبیری دارند که بسیار تعبیر زیبایی است. آن بزرگوار می‌فرماید:

«أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ»

آن فضل عظیمت کجاست؟

«أَيْنَ مِنْكَ الْجَسِيمِ»

آن منت وزینت کجاست؟

«أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ»

آن احسان جاودانهات کجاست؟

«أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمِ»

ای کریم! آن احسان و کرمت کجاست؟

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 94، الفصل الخامس فی أعمال لیلالی و آیام شهر رمضان المبارک

یقین بدانید این نحوه صحبت کردن عرش الهی را به لرزه در می‌آورد و رحمت خداوند عالم را آنچنان بر سر عبدش می‌باراند تا در دنیا و آخرت غرق در رحمت و کرم الهی باشد. خدای کریم که گدا را از در خانه‌اش نمی‌راند. بنابراین این مطالب در رابطه با مهمان است.

کلیدواژه دوم ماه مبارک رمضان: مهمانی

مسئله دوم این است که می‌خواهیم بدانیم مهمانی چیست.

«وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ»

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص 93، ح 4

در این ماه و در این مهمانی شما را جزء افرادی قرار دادند که نهایت احترام و تکریم را برای بندگان فروگذار نخواهند کرد.

تلاش کنیم در این ماه جزو کسانی باشیم که فضل و کرم الهی شامل حال او شود. قرار گرفتن جزو این افراد شرط و شروطی دارد. یکی از شرایط آن این است که بنده به بندگی‌اش عمل کند.

روایتی از امام باقر (علیه السلام) در کتاب «فضائل اشهر الثلاثة» صفحه 123 نقل شده است. حضرت می‌فرماید:

«شَهْرُ رَمَضَانَ وَ الصَّائِمُونَ فِيهِ أَضْيَافُ اللَّهِ وَ أَهْلُ كَرَامَتِهِ»

کسانی که در این ماه روزه دار هستند، مهمان خداوند و جزو کرامت الهی هستند.

فضائل الأشهر الثلاثة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: عرفانیان یزدی، غلامرضا،

ص 123، ح 130

خداوند عالم این افراد را تکریم می‌کند و گرمی می‌دارد. کسی که در طول یازده ماه، نه ناراحتی معده داشت و نه ناراحتی کبد و کلیه داشت، اما در ماه مبارک رمضان معده درد و کلیه درد می‌گیرد قطعاً جزء کرامت الله و جزو کسانی که به مهمانی خدا حضور پیدا می‌کنند نیستند.

اولین شرط حضور در این سفره ضیافت الهی این است کسی که واقعاً شرایط روزه داری دارد، صائم باشد. در روایت آمده است خداوند عالم هنگام افطار بر صائمین عنایتی می‌کند که آن عنایت، انسان را در دنیا و آخرت از همه چیز بی نیاز می‌کند.

کلیدواژه سوم ماه مبارک رمضان: مهمان پذیر

مسئله سوم این است کسی که به مهمانی دعوت می‌کند چه کسی است. کسی که تمام آسمان و زمین در دست اوست. کسی که عزت، ذلت، سلطنت و خواری در دست اوست. قرآن کریم در سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید:

(تَوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ)

به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی، و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری، هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی، و هر که را بخواهی خوار می‌کنی.

سوره آل عمران (3): آیه 26

طبق فرموده قرآن کریم عزت و ذلت و ثروت و مقام و همه چیز در دست خداوند است. همچنانکه در مناجات شعبانیه هم خواندیم:

«وَ بِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَفْصِي وَ نَفْعِي وَ ضُرِّي»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 48، الفصل الثانی فی بیان أعمال کل یوم من أيام شعبان

تمام خیر و ضرر دنیا و آخرت به ید قدرت توست. کسی که ما را به مهمانی دعوت می‌کند خداست و همه چیز هم در دست اوست.

خداوند متعال خود فرموده است که برای مهمانی قید و شرطی نداریم. چنین نیست که تنها خوبان، صاحب منصبان و کسانی که مسئول هستند یا ثروت دارند را دعوت کنیم.

(قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا)

بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد.

سوره زمر (39): آیه 53

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: به بندهایی که در گناه اسراف کردند و واقعاً زیاده روی کرده‌اند، بگوید از رحمت خدا ناامید نشوند.

(قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ)

بگو برای خدا است، رحمت (و بخشش) را بر خود حتم کرده.

سوره انعام (6): آیه 12

خداوند متعال همچنین خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

(نَبِّئْ عِبَادِيَ أَنِّي أَنَا الْعَفُورُ الرَّحِيمُ)

بندگانم را آگاه کن که من غفور و رحیمم.

سوره حجر (15): آیه 49

زمانی که شما در حق کسی بدی می‌کنید، ده نفر را واسطه می‌کنید تا برود و از او رضایت بگیرد. در مقابل ما این همه بدی در حق خداوند کردیم، اما خداوند خود می‌فرماید که بیایید من شما را ببخشم.

خداوند متعال می‌فرماید: در کنار سفره ضیافتی من بیایید و از این سفره ضیافتی من استفاده کنید. نبی مکرم اسلام در ماه مبارک رمضان می‌فرماید:

«فَإِنَّ الشَّيْءَ مِنْ حُرْمِ عُزْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ»

بدبخت‌ترین انسان‌ها کسی است که ماه رمضان را درک کند، اما نتواند گناهانش را پیش خداوند عالم مورد بخشش قرار بدهد.

الأمالی (للصدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: 381 ق، ناشر: کتابچی، تهران، 1376 ش، ص 93، ح 4

آیا از این بهتر و واضح‌تر بیان کنیم؟! حال کسانی که عمری از آنها گذشته است، می‌گویند: خدایا ما بد کردیم؛ اگر یک بار دیگر ما را به دنیا بازگردانی، دیگر گناه و معصیت نمی‌کنیم.

این قضیه امکان پذیر نیست، زیرا خداوند عالم ما را یک بار به این دنیا آورده و خطاها و گناهانی که مرتکب شده‌ایم همگی ثبت شده است.

(لا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا)

هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آن را شماره کرده است.

سوره کهف (18): آیه 49

هر عمل کوچک و ریزی که انجام دادیم و حتی فکری هم که از ذهنمان عبور دادیم را خداوند عالم در پرونده اعمالمان ثبت کرده است و شب اول قبر و فردای قیامت از جزئی‌ترین جزئیات از ما سؤال خواهد کرد.

اینکه ما به دنیا برگردیم و جبران کنیم، برایمان امکان پذیر نیست. ما دو راه بیشتر نداریم. راه اول این است که بگوییم: خدایا از آنچه که انجام دادیم، صرف‌نظر کن. «بابا طاهر» می‌گوید:

از آن روزی که ما را آفریدی

به غیر از معصیت چیزی ندیدی

خداوندا به حق هشت و چارت

ز ما بگذر، شتر دیدی ندیدی

ماجرای همت پیر زن بنی اسرائیل چیست؟!

راه دوم این است که همتمان را بالاتر ببریم. نگوییم خدایا گناهمان را ببخش. من بارها گفته‌ام که این همت کوچک است. خداوند عالم در قرآن کریم می‌فرماید:

(فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ)

خداوند گناهان این گروه را به حسنات تبدیل می‌کند.

سوره فرقان (25): آیه 70

خداوند تبارک و تعالی ما را به مهمانی خود دعوت کرده است؛ همو که نه تنها بخشنده است، بلکه هر گناهی که انجام دادیم را می‌تواند به چندین برابر به حسنات مبدل کند.

شخص، مرتکب کار بد شده است. به عنوان مثال غیبت کرده است، بهتان و افترا زده است، دزدی کرده است، نمازش را ترک کرده یا روزه‌اش را خورده است.

البته توبه کردن شرایطی دارد. اگر انسان آن شرایط را انجام دهد، خداوند عالم همان گناه را به چندین برابر ثواب تبدیل می‌کند.

به عنوان مثال شخص یک مرتبه فردای قیامت می‌بیند که هزار حج یا میلیون‌ها رکعت نماز در نامه عملش نوشته شده است. این شخص با خودش می‌گوید: من که این نمازها را نخوانده بودم.

در این حال از طرف خداوند متعال خطاب می‌آید: تو مرتکب گناه شدی، اما مرا با صفت «یا رؤف و یا رحیم»، «یا مبدل السيئات بأضعافها من الحسنات» خواندی و گفتی: «بذل سيئاتي بأضعافها من الحسنات»!!

باید همت را بالا برد. من همیشه می‌گویم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیابان مهمان یک مرد عرب شد. مرد عرب هر آنچه که داشت، در طبق اخلاص گذاشت و از نبی مکرم اسلام تکریم و پذیرایی و مهمانداری کرد.

رسول اکرم به او فرمود: اگر به مدینه آمدمی، پیش ما بیا. وقتی مرد عرب به مدینه آمد، به پیغمبر اکرم عرض کرد: من همان مرد عربی هستم که در بیابان از شما پذیرایی کردم.

حضرت فرمود: هرچه می‌خواهی، از من بخواه تا به تو بدهم. این بنده خدا که همتش کم بود، گفت: یا رسول الله! سی رأس گوسفند، سی رأس بز، ده رأس شتر یا دو عدد اسب به من بدهید.

رسول اکرم دستور داد تا چیزی که مرد عرب خواسته بود به او دادند. مرد عرب هم خوشحال و خندان به منزلش بازگشت.

بعد از رفتن مرد عرب، رسول اکرم فرمود: ای کاش این مرد عرب به اندازه آن پیرزن بنی اسرائیل همت داشت. اصحاب عرضه داشتند: ماجرای همت پیرزن بنی اسرائیل چیست؟!

رسول گرامی اسلام فرمود: حضرت موسی به دنبال این بود تا قبر حضرت یوسف را پیدا کند. حضرت موسی خیلی گشت تا اینکه به حضرت خبر دادند پیرزن سالخورده‌ای هست که از قبر حضرت یوسف خبر دارد.

اصحاب رفتند و پیرزن را به محضر حضرت موسی آوردند. حضرت موسی فرمود: ای پیرزن از قبر حضرت یوسف خبر داری؟! پیرزن گفت: بله. حضرت موسی فرمود: آیا مکان قبر را به من می‌گویی؟! پیرزن گفت: خیر.

حضرت فرمود: چرا؟! پیرزن گفت: هر کاری شرط و شروطی دارد. حضرت فرمود: خواسته تو چیست؟! پیرزن گفت: در خواست اول من این است که از خدا بخواه مرا جوان کند. حضرت موسی کلیم الله که نزد خداوند تبارک و تعالی آبرو دارد، از خداوند خواست که این پیرزن را به جوانی هجده ساله تبدیل کند.

وقتی حضرت عیسی مرده را زنده می‌کند، آیا حضرت موسی نمی‌تواند یک پیرزن صد و پنجاه ساله را به جوانی هجده ساله تبدیل کند؟!

حضرت موسی فرمود: حال که جوان شدی مکان قبر حضرت یوسف را به من نشان می‌دهی؟! پیرزن گفت: خیر. حضرت فرمود: چرا؟! پیرزن گفت: من را به عقد خودت در بیاور تا همسر پیغمبر اولوالعزم خدا باشم.

حضرت موسی قبول کرد و او را به عقد خودش درآورد، سپس فرمود: حالا جواب مرا می‌دهی؟! پیرزن گفت: خیر. حضرت فرمود: چرا؟! پیرزن گفت: از خداوند بخواه در بهشت هم همسر تو باشم.

رسول اکرم فرمود: ببینید چقدر همت پیرزن بنی اسرائیل بالا بود. او زمانی که می‌خواست قبر حضرت یوسف را به حضرت موسی نشان بدهد، همت بالایش را نشان داد و نگفت ده عدد گاو و گوسفند و شتر به من بده! ای کاش این مرد عرب هم همت بالای آن پیرزن را داشت.

بنابراین دوستان عزیز در ماه ضیافت الله هستیم که فرمود:

«دُعَيْتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ وَ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ»

دوستان! وقتی در خانه خدا می‌روید، همت را بالا ببرید. برای خداوند عالم هیچ فرقی نمی‌کند. اگر خداوند متعال یک هزار تومانی به شما بدهد یا تمام ثروت دنیا را در اختیار شما قرار بدهد، چیزی از کرم و ملک و سلطنت الهی کم نمی‌شود.

هرچه همت را بالا ببرید، خداوند عالم اگر خواسته شما به صلاحتان باشد همان را می‌دهد و اگر به صلاح شما نباشد معادل سازی می‌کند و معادل آن را به شما می‌دهد. اگر خداوند خواسته شما را در این دنیا به شما ندهد، در آخرت خواسته شما را برآورده می‌کند.

به عنوان مثال از خداوند درخواست می‌کنید که به من روزی بده تا ماهیانه ده میلیون تومان درآمد داشته باشم. اگر دادن این روزی در دنیا به صلاح شما نبود، خداوند در قیامت این حاجت شما را برآورده می‌کند.

گاهی اوقات هم شخصی سلطنتی همانند سلطنت حضرت سلیمان درخواست می‌کند و آرزو می‌کند خدایا سلطنتی مانند سلطنت حضرت سلیمان به من بده تا بعد از من کسی چنین سلطنتی در سر نپروراند.

لذا اگر ما از خداوند عالم اینطور درخواست کنیم و در این ماه مبارک رمضان همت را بالا ببریم، بسیار عالی خواهد شد. بنده در خدمت شما هستم.

مجری:

بسیار زیبا بود. مطالب کاملاً قابل استفاده و مورد نیاز برای ابتدای این ماه مبارک بود. شاید بسیاری از ما اهلیت این را در خودمان نمی‌دیدیم تا بخواهیم مهمان خدا شویم.

در مقابل، خداوند عالم بر ما مرحمت فرمود و ما را با همین تعبیرهای زیبایی که حضرت استاد فرمودند، به مهمانی کرامت الله و مهمانی که خداوند متعال خود میزبان آن هست دعوت کرد.

اگر مهمان ناخوانده باشد ممکن است طور دیگری با او برخورد داشته باشند، اما وقتی میزبان خود خداوند باشد و خودش ما را آورده باشد اینگونه می‌شود. اگر بخواهیم یک مقدار اهلیت به دست بیاوریم، باید در این ماه مبارک از خداوند درخواست کنیم. شاعر زیبا گفته است:

هرکه دارد چشم‌های تر پناهش می‌دهند

بنده وقتی می‌شود مضطر پناهش می‌دهند

غالباً مهمان اگر ناخوانده باشد می‌خرند

غالباً درمانده را آخر پناهش می‌دهند

بنده سلطان که باشی، پادشاهی می‌کنی

سائلی بی دست و پایم راه را گم کرده‌ام

عبد کوی هل اُتی ام راه را گم کرده‌ام

بس که دوری جستم از این بارگاه باصفا

آستان صاحب درگاه را گم کرده‌ام

عرض سلام مجدد داریم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

تا این لحظه از برنامه آن چیزی که به نظرم شرط و نیاز ورود به ماه مبارک رمضان بود، الحمدلله از زبان حضرت آیت الله حسینی قزوینی شنیدیم. ان شاءالله بیش از شنیدن باشد و بتوانیم این مطالب را تبدیل به عمل کنیم تا حداقل اگر نام مهمان را بر ما نهاده‌اند، خجالت زده نشویم.

حاج آقا ما نسبت به اصل مطلب مفصلاً سؤال داریم، اما حال که تا اینجا پیش رفتیم افسوس می‌خورم که از محضر شما نپرسم. حال با توجه به اینکه دل‌هایمان جلای کافی را یافته است، چه عملی انجام بدهیم تا بیشتر مورد رضای خداوند واقع شود؟!

قدرت اشک چشم، در حل مشکلات دنیوی و اخروی!

آیت الله حسینی قزوینی:

قبل از اینکه به سؤال حضرتعالی پاسخ بدهم، در رابطه با شعری که خواندید جملاتی به ذهنم آمد که حیفم می‌آید آن را بیان نکنم. این جملات مربوط به آقای «میثم» یکی از دلسوختگان آذری زبان هست و با سوز هم این شعر را خوانده‌اند. ایشان می‌گویند:

خواهند اگر بیخشدند از مجرمی گناهی

اول وی را نوازند با سوز و اشک و آهی

در روایت داریم وقتی چشمت اشک آلود می‌شود و قطرات اشکت سرازیر می‌شود، بدان درهای رحمت الهی به رویت باز شده است. در این حالت سؤال کن، زیرا خداوند عالم دوست دارد بنده از او سؤال و درخواست کند. همچنین در برابر عظمت الهی چیزی را کوچک نشمار.

دریای عفو جوشد از اشک دردمندی

اوراق جرم سوزد از آه صبحگاهی

دوستان عزیز! تلاش کنید تا خداوند عالم چشمانی اشک آلود به شما بدهد، به طوری که در بیست و چهار ساعت شبانه روز ولو یک دقیقه یا دو دقیقه یا پنج دقیقه سرتان را روی مهر گذاشته و گریه کنید. این گریه‌ها بسیاری از مشکلات دینی و دنیایی و اخروی ما را حل می‌کند.

در روایت داریم کسی که چشم اشک آلود ندارد، قلبش را قساوت فراگرفته است. شاعر در ادامه می‌گوید:

دریای عفو جوشد از اشک دردمندی

اوراق جرم سوزد از آه صبحگاهی

اینجا گناه بخشند کوهی به کاه بخشند

بیچاره من که با خود نابرده پر کاهی

هرچند رو سیاهم با آن همه گناهم

مشتاق یک نگاهم مولای من نگاهی

عمری گناه کردم، دل را سیاه کردم

من اشتباه کردم، یارب چه اشتباهی!

با کثرت گناهم میسند رو سیاهم

آورده‌ام علی را در عین روسیاهی

شاعری عرب زبان می‌گوید:

«سودت صحیفة أعمالی وکلت الأمر إلی حیدر»

پرونده‌ام را سیاه کردم، اما کارم را به علی واگذار کردم.

همین قدر می‌دانیم؛

«وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرْمَ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص

616، ح 3213

این جمله حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را هم در مناجات‌ها یادمان نرود، زیرا بسیار جمله جانسوزی است. حضرت می‌فرمایند:

«إِلَهِي إِنْ طَالَ فِي عِضْيَانِكَ عُمْرِي وَ عَظَمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَمَا أَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرَ عُفْرَانِكَ وَ لَا أَنَا بِرَاحٍ غَيْرَ رِضْوَانِكَ»

خدایا تمام عمرم را با معصیت گذراندم و همه پرونده‌ام را سیاه کردم، اما غیر از مغفرت و رضوان تو آرزو ندارم و تنها چیزی که به آن چشم دوختم کرم توست.

مناقب آل اَبی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج 2، ص 124،

فصل فی المسابقة بصالح الأعمال

چند سفارش ویژه، برای بهره برداری مطلوب از ماه مبارک رمضان!

در رابطه با سؤال حضرتعالی در خطبه شعبانیه، رسول گرامی اسلام چندین سفارش در ماه مبارک رمضان دارند و می‌فرمایند:

«وَ تَصَدَّقُوا عَلَي فُقَرَائِكُمْ وَ مَسَاكِينِكُمْ»

در این ماه به فقرا احسان کنید و در حق زبردستان و تنگدستان احسان کنید.

مخصوصاً در اوضاع امروز جامعه که شاید علت آن گناهی بود که مرتکب شدیم یا بی تدبیری آقایان تدبیری ها است.

امروزه وضعیت زندگی و معاش مردم بسیار خراب است. کسانی که وضعیت اقتصادی خوبی دارند تلاش کنند و هرکسی در حد وسع خودش به کسانی که دچار مشکل هستند یا بیماری دارند، کمک کنند.

بعضی افراد توان تهیه کردن دارو ندارند. افراد دیگری هستند که قرض دارند، وام دارند، مستأجر هستند یا افرادی هستند که وسایلشان را خانه دیگران گذاشتند و خودشان آواره خیابان و در مساجد زندگی خود را سپری می‌کنند. حضرت می‌فرماید: به این مردم رسیدگی کنید.

«وَوْفُّوا كِبَارَكُمْ»

به بزرگان‌تان احترام بگذارید.

«وَاِزْحَمُوا صِغَارَكُمْ»

به کوچکترها و زیردستان‌تان ترحم کنید.

«وَصَلُّوا اَزْحَامَكُمْ»

و با خویشاوندان رفت و آمد داشته باشید.

در این ماه مبارک رمضان صله رحم کنید، ولو با یک تماس تلفنی. اگر از بستگان و اقرباء نظیر پدر، مادر، پسر عمو، پسر دایی و سایرین ناراحت و دل شکسته هستید، به خاطر خداوند عالم کینه را از دلت بیرون کنید و با یک تماس تلفنی حال او را بپرسید.

صله رحم حتماً این نیست که با توجه به این اوضاع بد اقتصادی و گرانی به خانه‌اش بروید و باری بر دوشش اضافه کنید، بلکه با یک تماس تلفنی و احوالپرسی صله رحم را به جا بیاورید.

«وَوَتَّخِذُوا عَلٰی اٰیَتَامِ النَّاسِ يَتَّخِذْنَ عَلٰی اٰیَتَامِكُمْ»

با یتیمان مردم مهربانی کنید تا بعد از شما با یتیمان شما مهربانی کنند.

«و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ»

از گناهان خود به سوی خدا توبه و بازگشت کنید.

«و اَرْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالذُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ

إِلَى عِبَادِهِ»

در اوقات نماز دست‌های خود را به دعا بردارید، زیرا که وقت نماز بهترین ساعت‌هاست و در این اوقات حق تعالی با رحمت به بندگانش می‌نگرد.

«يَجِيبُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ وَ يَلْتَبِيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ»

اگر با او مناجات کنند پاسخشان را می‌دهد و اگر او را ندا کنند لبیکشان می‌گویند.

در این ساعت وقتی بنده «یا الله» بگوید، خداوند لبیک می‌گوید. این جملات را نبی مکرم می‌فرماید، سپس حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) عرضه می‌دارد:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ- مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ»

ای پیامبر خدا! برترین اعمال در این ماه چیست؟

«فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ»

حضرت فرمود: ای ابا الحسن! برترین اعمال در این ماه پرهیز از محرمات است.

الأمالی (للصدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: 381 ق، ناشر: کتابچی،

تهران، 1376 ش، ص 93 - 95، ح 4

تلاش کنیم در ماه مهمانی خدا، گناه و معصیت را ترک کنیم. به عنوان مثال درست نیست که وقتی شما به مهمانی رفتید، ابتدا یک سیلی به صورت فرزند صاحبخانه بزنید یا شیشه منزلشان را بشکنید. در این صورت میزبان اگر نسبت به یک مورد یا دو مورد از بی ادبی شما کوتاه بیاید، دفعه بعد دستتان را می‌گیرد و از منزل بیرونتان می‌اندازد.

ما هم وقتی به مهمانی خدا می‌رویم اگر مرتکب معصیت و گناه و عصیان شدیم، ادب مهمانی را رعایت نکرده‌ایم. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در حکمت 145 «نهج البلاغه» می‌فرماید:

«كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَ الظَّمَا»

چه بسا افرادی روزه می‌گیرند، اما از روزه داری غیر از تشنگی و گرسنگی چیزی عایدشان نمی‌شود.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 495، ح

145

در کتاب «بحارالانوار» جلد 93 صفحه 295 روایتی آمده است که حضرت صدیقه طاهره می‌فرماید:

«مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَضَنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ»

کسی که در این ماه چشم و گوش و زبان و جوارحش را از گناه حفظ نکرده باشد، روزه‌اش مورد قبول خداوند نیست.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 93،

ص 295، ح 15

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» جلد 4 صفحه 88 باب «کتاب الصوم» روایتی نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) از پدرانشان و آن بزرگواران از قول از نبی گرامی اسلام می‌فرماید:

«مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ يَشْتَمُ فَيَقُولُ إِنِّي صَائِمٌ سَلَامٌ عَلَيْكَ»

هیچ عبد صالحی نیست مگر اینکه وقتی کسی به او توهین و ناسزا می‌گوید، او در جواب بگوید: من روزه دار هستم، سلام عليك!

بینندگان عزیز! اگر برنامه امشب ما هیچ دستاوردی غیر از این سخن رسول گرامی اسلام نداشته باشد که از زبان امام صادق بیان می‌شود، برایمان کافی است. باید ببینیم که آیا حاضریم به این روایت عمل کنیم یا خیر؟! چند نفر از ما چنین هستیم که اگر کسی به ما فحش بدهد یا توهین کند، بگوییم: من به حرمت ماه رمضان جوابت را نمی‌دهم، سلام عليك!! قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

سوره فرقان (25): آیه 63

چند نفر است که در جواب توهین و ناسزا بگوید:

«لَا أَشْتَمُكَ كَمَا شَتَمْتَنِي»

من به تو ناسزا نمی‌دهم و جواب ناسزایت را هم نمی‌دهم.

اگر کسی چنین بود، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خصوص او می‌فرماید:

«إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصُّومِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي فَقَدْ أَجَزْتُهُ مِنَ النَّارِ»

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: بنده من به احترام ماه مبارک رمضان جواب فحش را نداد و من هم او را از آتش جهنم پناه دادم.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 4،

ص 88، ح 5

شاید مراد آتش دنیا هم باشد که آن از بین رفتن سلامت و امنیت است. امروزه بیماری کرونا در خانه‌ها به آتش تبدیل شده است.

خداوند متعال می‌فرماید: من این بندهام را از آتش‌های دنیا همانند آتش فقر، آتش نداری، آتش مصیبت و آتش عذاب و در قیامت هم از آتش جهنم نجاتش می‌دهم.

باید تلاش کنیم در ماه مبارک رمضان چنین روحیه‌ای داشته باشیم و به تعبیر حضرت صدیقه طاهره چشم و زبان و گوش و اعضا و جوارحمان نیز روزه دار باشد، نه اینکه تنها دهانمان از خوردن و آشامیدن روزه دار باشد.

اگر چنین روحیه‌ای داشته باشیم و خداوند عالم این فضیلت را به ما داد، از آتش جهنم در امان هستیم. البته این فضیلت را باید از خود خدا درخواست کنیم. باید این فضیلت را از خداوند عالم گدایی کنیم.

ما باید در خانه خداوند متعال برویم و عرضه بداریم: خدایا به من توفیق گدایی بده. من در خانه‌ات آمده‌ام تا گدایی در خانه‌ات را نصیب من کنی.

رسول گرامی اسلام و ائمه اطهار در روایتی می‌فرماید: از خداوند عالم عافیت بخواهید و شکر بر عافیت را هم بخواهید. از خدا نعمت بخواهید و شکر بر نعمت را نیز طلب کنید. قرآن کریم می‌فرماید:

(لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ)

اگر شکر گزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر کفران کنید مجازاتم شدید است!

سوره ابراهیم (14): آیه 7

اگر نعمت‌های الهی را شاکر بودید خدا نعمتش را بر شما افزون می‌کند و اگر کفران نعمت کردید خدا هم نعمتش را از تو سلب می‌کند.

بنابراین در این ماه مبارک رمضان باید به گدایی و بندگی خدا برویم و توفیق روزه داری رضایت بخش خداوند عالم و مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را از خداوند عالم گدایی کنیم.

«وَيَمِّنُهُ زُرْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 423، باب دعاء العذیلة الكبير

هرچه نعمت از خداوند به ما می‌رسد، به واسطه مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است.

ما از حضرت ولی عصر بخواهیم تا نزد خداوند عالم واسطه ما شود. شاید به خاطر بعضی از گناهان ما توفیق بندگی از ما سلب می‌شود. همانطور که در دعای کمیل هم می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَخِيسُ الدُّعَاءَ»

خدایا آن دسته از گناهایی که دعاها را می‌کند را ببخش.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 61، الفصل الرابع فی بیان أعمال الأيام البيض من شهر شعبان

خیلی عجیب است! حضرت نمی‌فرماید که دعایمان به اجابت نمی‌رسد. خداوند متعال فرموده است:

(ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)

مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم.

سوره غافر (40): آیه 60

ما دعا می‌کنیم، اما گناه ما باعث می‌شود دعاهای ما در زندان محبوس شود و به سمت خداوند عالم نرود. بنابراین مولایمان حضرت ولی عصر را بین خود و خدای خود واسطه قرار بدهیم تا خداوند عالم به ما توفیق بندگی کرم کند.

این بالاترین نعمت است به طوری که اگر کسی چنین نعمتی داشته باشد، بهشت دنیا را دارد. بالاترین نعمت این است که انسان در همه حال خود را در محضر خدا و در محضر حجة بن الحسن ببیند. نعمت دوام حضور نعمتی است که به هر بی سر و پای ندهند.

در این ماه مبارک رمضان یکی از حاجت‌هایی که از خداوند متعال می‌خواهیم، این است که خداوند به ما توفیق دهد همواره خودمان را در محضر حق ببینیم.

به تعبیر «مرحوم آیت الله بیدآبادی» (رضوان الله تعالی علیه) باید تلاش کنیم خودمان را در محضر امام زمان حضرت حجة بن الحسن (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) ببینیم.

وقتی دعا می‌کنیم، بگوییم: یا بن الحسن! خدا دعاهای شما را به اجابت برساند. وقتی نماز می‌خوانیم، بگوییم: آقا جان! ان شاء الله خداوند نمازتان را قبول کند. وقتی می‌خواهیم افطار کنیم، بگوییم: ان شاء الله خداوند عالم روزها را قبول کند.

هرگاه شما به شخص کنار دستی خود سر سفره افطار «تقبل الله اعمالکم» بگویید، او هم در جواب می‌گوید: «کذلک، تقبل الله».

وقتی به حضرت حجة بن الحسن بگویند: "آقا جان! خداوند نماز و روزهات را قبول کند یا خداوند دعاها را به اجابت برساند"، یقیناً حضرت هم همین جواب را به ما می‌دهد. معلوم نیست دعای ما به اجابت برسد یا نرسد، اما دعای حضرت ولی عصر قطعاً به اجابت می‌رسد.

آرزو بر جوانان عیب نیست! هنگام افطار از خداوند عالم بخواهید تا توفیق دهد یک افطاری هم در محضر حضرت ولی عصر باشید. ان شاء الله یک افطار هم در کنار سفره حضرت صاحب الزمان داشته باشید.

از کرم و فضل خدا بعید نیست. ماه مهمانی خداست. خداوند متعال خود دعوت کرده و خود فرموده که هر چه می‌خواهید از من طلب کنید.

ان شاء الله یکی از حوائجتان در ماه مبارک رمضان این باشد که توفیق مهمانی حضرت ولی عصر حجة الله البالغة ولی الله الأعظم را به شما نصیب کند تا سر سفره و در محضر حضرت افطار کنید.

البته اگر این توفیق شامل حال کسی شود، دیگر غذا خوردن و افطار کردن را فراموش می‌کند و تنها محو جمال یوسف زهرا حضرت حجة بن الحسن می‌شود.

چه خوش است که صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

اگر کسی جمال نورانی حضرت ولی عصر را ببیند، دنیا و آخرت و همه چیز را در محضر آن نازنین وجود فراموش می‌کند. بنده گمان نمی‌کنم این شخص دیگر رغبتی برای غذا خوردن داشته باشد. ان شاء الله در دعاها و دعاهایتان این توفیق را از خداوند عالم بخواهید و ما را هم یاد کنید.

مجری:

أحسنتم، طیب الله. خیلی ممنون، بسیار استفاده کردیم. صحبت‌هایی فرمودید که کاملاً به نظرم نیاز بود بشنویم.

گاهی اوقات احساس می‌کردیم یک معرفت زائد الوصفی نسبت به ماه مبارک رمضان و این مهمانی که شکل گرفته است نیاز داریم، اما نمی‌دانستیم راه و طریق راز و نیاز چگونه است.

الحمدلله امشب به برکت سخنان حضرت استاد، هم راز و نیاز را آموختیم و چه تعبیر زیباتری به کار بردند که نیاز را با هم شنیدیم و فهمیدم که چطور باید با معبود و ولی خودمان ارتباط برقرار کنیم.

همانطور که مشاهده می‌کنید شماره تلفن‌ها زیرنویس شده و این امکان برای شما هست که در هر لحظه از زمانی که این برنامه پخش زنده می‌شود، با ما تماس بگیرید و بعد از اینکه تماس گرفتید ان شاءالله ما پاسخگوی سؤالتان خواهیم بود.

همچنین می‌توانید پیام‌های خودتان را به صورت صوتی و متنی برای همین سامانه ارسال کنید. ان شاءالله سؤالات شما را هم مطرح خواهیم کرد. یک فاصله بگیریم و میان برنامه‌ای ببینیم، برمی‌گردیم و در خدمتتان خواهیم بود.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». فرصت انتهایی برنامه هست و این امکان برای شما بود که تماس بگیرید. تماس‌های زیادی گرفته شده و عزیزانی هم پشت خط هستند.

قبل از اینکه تماس شما را وصل کنیم، خیلی مختصر عرض کنم که یکی از عزیزان تماس گرفتند و پرسیدند: بالاخره تکلیف قبر حضرت یوسف چه شد؟! آیا مکانش مشخص است یا خیر؟!!

آیا مکان قبر حضرت یوسف (علیه السلام) مشخص است؟!؟

آیت الله حسینی قزوینی:

داستان حضرت یوسف مفصل است به طوری که اگر بخواهیم آن را بیان کنیم، نیم ساعت زمان می‌برد. وقتی که حضرت یوسف از دنیا رفت، نسبت به محل دفن حضرت یوسف اختلاف نظر به وجود آمد.

«مرحوم طبرسی» در کتاب «مجمع البیان» جلد پنجم صفحه 262 می‌نویسد: در آخر تصمیم گرفتند که حضرت یوسف را در رود نیل دفن کنند تا آب از روی قبر حضرت عبور کند و همه مردم از برکت حضرت یوسف بهره ببرند. خداوند عالم به حضرت موسی وحی کرد که قبر حضرت یوسف را بشکافید، او را بیرون بیاورید تا ماه بر او بتابد سپس او را کنار بیت المقدس دفن کنید.

ماجرای پیرزن را همه آقایان نقل کرده‌اند. «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «علل الشرایع» در صفحه 107 و «مرحوم مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» جلد 13 صفحه 127 آورده‌اند.

بنابر آنچه «یاقوت حموی» در کتاب «معجم البلدان» جلد یک صفحه 478 آورده است، ایشان را در شهر نابلس یکی از شهرهای فلسطین شش فرسخی بیت المقدس در مکانی به نام «قدس خلیل» دفن کردند.

امروزه قبر حضرت یوسف زیارتگاه است و کسانی که توفیق سفر به قدس اشغالی را دارند، قبر حضرت یوسف را هم زیارت می‌کنند. ان شاءالله بیت المقدس فتح شود و در اختیار مسلمانان قرار بگیرد و زیارت قبر حضرت یوسف نصیب همگان شود.

مجری:

ان شاءالله. تشکر می‌کنیم از این بیننده که تماس گرفتند و سؤالشان را پرسیدند. الحمدلله همه ما هم پاسخ این سؤال را شنیدیم.

همانطور که ملاحظه می‌کنید شماره تماس‌ها زیرنویس شده است. عزیزان بیننده هر لحظه می‌توانید تماس بگیرید. ان شاء الله ما پاسخگوی تماس‌های شما خواهیم بود و می‌توانید سؤالاتتان را مستقیماً از حضرت استاد بپرسید.

تماس‌های بینندگان برنامه:

آقای عباس زاده از کرمان پشت خط هستند. آقای عباس زاده در خدمتتان هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای عباس زاده از کرمان - شیعه):

سلام علیکم.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

بیننده:

وقت حضرتعالی بخیر، ان شاء الله طاعات و عبادات و بندگی شما قبول باشد.

مجری:

همچنین از شما هم قبول باشد.

بیننده:

عرض سلام خدمت شما مجری محترم و حضرت آیت الله حسینی قزوینی.

آیت الله حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله .

بیننده:

من به عنوان کسی که خودم را شیعه و محبت اهل بیت می‌دانم، به وجود بزرگوارانی مانند حضرت استاد افتخار می‌کنم. حقیقتاً هر وقت که برنامه‌های ایشان را می‌بینیم، قوت قلبی می‌گیریم. امشب هم استفاده کردیم و به سهم خودم از ایشان تشکر می‌کنم.

سؤالی از حضرت استاد داشتم. سؤال این است که در شبکه‌های اجتماعی کلیدی از شبکه‌های وهابی گذاشته بودند که آیه تطهیر را معنا می‌کند و می‌گوید: آیات قبل و بعدش مربوط به همسران پیغمبر است. چطور می‌شود که این آیه شامل همسران پیغمبر نمی‌شود؟!

آن‌ها آیه تطهیر را با ادبیات خاص خودشان معنا می‌کنند و می‌گویند: ای همسران پیامبر! شما نماز بخوانید و دیگر احکام اسلامی را رعایت کنید، زیرا من می‌خواهم به حضرت علی پاداش بدهم.

ایشان چنین ادبیاتی مطرح می‌کنند. بنده می‌خواستم از حضرت استاد سؤال کنم که چطور این آیه در بین آیات دیگر قرار گرفته است؟!

مجری:

بسیار خوب، ان شاء الله حضرت استاد پاسخگو خواهند بود. آقای عباس زاده عزیز از شما تشکر می‌کنیم که از کرمان همراه برنامه خودتان بودید. در خدمتتان هستیم.

پنج دلیل در اینکه آیه تطهیر شامل همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی‌شود!

آیت الله حسینی قزوینی:

در رابطه با سؤال عزیزمان ما ابتدا از قرآن کریم پاسخ می‌دهیم. نکته اول این است که در آیه تطهیر که از آیه 28 سوره احزاب شروع می‌شود، خداوند متعال می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرَدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتَعَنَّكُمْ وَ أُسْرُحَكُمْ سَرَاحاً جَمِيلاً)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیائید هدیه‌ای به شما دهم و شما را به طرز نیکویی رها سازم!

سوره احزاب (33): آیه 28

دقت کنید تمامی این جملات به صیغه جمع مؤنث است. (كُنْتُمْ)، (تُرَدْنَ)، (فَتَعَالَيْنَ)، (أُمْتَعَنَّكُمْ) و (أُسْرُحَكُمْ) همگی خطاب به زنان و جمع مؤنث زنان است. با این حساب وقتی به آیه تطهیر می‌رسد، ضمیر مذکر می‌شود و (عَنْكُمْ)، (يَطَهَّرْكُمْ)، (لِيَذْهَبَ) همگی مذکر است.

اگر قرار بود این آیه هم مربوط به زنان باشد، قرآن کریم باید می‌فرمود: «ليذهب عنكم الرجس أهل البيت». بنابراین معلوم می‌شود این آیه با آیات قبل و بعد متفاوت است. همچنین بعد از این آیه هم می‌فرماید:

(وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفاً خَبِيراً)

و آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت دانش خوانده می‌شود یاد کنید، خداوند لطیف و خبیر است.

سوره احزاب (33): آیات 28 و 34

باز می‌بینیم که ضمائر همگی جمع مؤنث است. بنابراین معلوم می‌شود خطاب در آیه تطهیر، خطاب خاص است و متعلق به زنان نیست.

نکته دوم این است که در قبل از این آیه کلمه (بُيُوتِ) آمده است و بعد از این آیه هم کلمه (بُيُوتِ) آمده است.

مشاهده کنید قرآن کریم می‌فرماید:

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ)

و:

(وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ)

زنان پیغمبر اکرم یک نفر نبود، بلکه در زمان نزول آیه شریفه خانه‌های زنان پیغمبر یازده یا سیزده خانه بود. آیه شریفه وقتی به زنان پیغمبر اکرم می‌رسد، کلمه (بُيُوتِ) به معنای "خانه‌های شما" را به کار می‌برد، اما در آیه تطهیر می‌فرماید: (أَهْلَ الْبَيْتِ).

اگر قرار بود مخاطب زنان رسول الله باشد، «اهل البيوت» در این آیه شریفه می‌آمد. چرا (أَهْلَ الْبَيْتِ) آمده است؟!

اگر یک کودک خردسال به این آیه شریفه نگاه کند، مراد آیه را می‌فهمد. قبل و بعد آیه تطهیر کلمه (بُيُوتِ) آمده است، اما در آیه تطهیر کلمه مفرد (أَهْلَ الْبَيْتِ) آمده است. بنابراین معلوم می‌شود که مخاطب این دو آیه کاملاً باهم تفاوت دارد.

نکته سوم که از همه مهمتر است، این است که آیات مربوط به زنان پیغمبر اکرم همگی لحن مذمت دارد. به این آیات توجه کنید:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِّنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا)

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود عذاب او دو چندان خواهد بود، و این برای خدا آسان است.

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوی پیشه کنید، بنا بر این به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید.

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ)

و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را بر پا دارید و زکاة را ادا کنید، و خدا و رسولش را اطاعت نمائید.

محتوای تمام این آیات مذمت و توبیخ است، اما آیه تطهیر آیه مدح است.

(إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33): آیات 30 تا 33

اصلاً لحن آیه با آیات قبل و بعد فرق می‌کند. خداوند عالم اینطور صلاح دیده است که این آیه در میان آیات مربوط به توبیخ زنان پیغمبر اکرم باشد.

نکته چهارم این است که ما بارها گفتیم اهل سنت معتقدند آیه 40 سوره مبارکه توبه در رابطه با ابوبکر است. ما از این افراد می‌پرسیم که شما از کجا می‌گویید این آیه در رابطه با ابوبکر است؟! آن‌ها در جواب می‌گویند که ما روایت داریم.

همچنین معتقدند آیه 11 سوره مبارکه نور در رابطه با عایشه است. وقتی از این افراد می‌پرسیم که از کجا می‌دانید که این آیه در رابطه با عایشه است، می‌گویند که ما روایت داریم.

وقتی روایت و شأن نزول ملاک است، ما بیش از پنجاه روایت داریم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: این آیه در حق من، علی بن ابی طالب، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) نازل شده است.

همچنین در روایت داریم که وقتی زنان پیغمبر اکرم از حضرت پرسیدند که آیا ما هم می‌توانیم زیر کساء بیایم؟! حضرت فرمودند: خیر!!

نکته پنجم این است که عایشه همسر پیغمبر اکرم آنچه که مربوط به فضائل خود و خانواده‌اش بود را در همه جا مطرح کرده است، اما یک روایت ضعیف هم نداریم که عایشه گفته باشد آیه تطهیر در شأن من بوده است. حال شما بهتر می‌فهمید یا عایشه بهتر می‌فهمد؟!

مجری:

احسنت، طیب الله. کوبنده‌تر از این نمی‌شد جوابی مطرح کرد. قطعاً باید آیه همین گونه نازل می‌شد تا همین شبهاتی که امروزه ایراد می‌شود، تماماً دفع شود.

ما به برکت سخنان حضرت استاد متوجه شدیم که اگر این آیه تطهیر به تنهایی در جای دیگری می‌آمد ممکن بود این سؤال برای ما پیش بیاید که شاید آیه شامل همسران پیغمبر اکرم هم بشود، اما با این تبیین کاملاً واضح شد که این آیه با بقیه آیات فرق دارد.

بسیار خوب، بسیار قابل استفاده و زیبا بود. آقا علی از تهران پشت خط هستند. آقا علی در خدمتتان هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا علی از تهران - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله، خسته نباشید، شب شما بخیر.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله، شب شما هم بخیر.

بیننده:

خداوند متعال ان شاءالله طاعات و عبادات شما را قبول کند و شما را زیر سایه حضرت فاطمه زهرا حفظ بفرماید. می‌خواستم مطلبی را به حاج آقا بگویم. قبل از اینکه شما بخواهید مطلبی را در صفحه مانیتور نشان بدهید، خواهشاً با آرامش باشد و دکمه‌ها را سریع نزنید.

ممکن است بعضی از کسانی که برنامه شما را می‌بینند، سرسری و سطحی ببینند، اما عده‌ای از شیعیان و اهل سنت هستند که تمام مطالب را برداشت و تحقیق می‌کنند و به دنبال مطلب بروند. من دو تا سؤال هم داشتم.

مجری:

آقا علی در خصوص این فرمایشتان بنده عرضی بیان کنم. یکی از عزیزان هم در پیام‌های متنی هم به این مطلب اشاره کرده بود. وقت برنامه محدود است و فرصت هم نیست به این مطالب به تنهایی بپردازیم، اما قطعاً به فکر این مطلب هستیم.

به خاطر همین هست که تکرار برنامه قرار داده شده یا فایل متنی برنامه در آرشیو سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» قرار داده شده است. اگر به سایت مؤسسه مراجعه بفرمایید، متن تمام این فرمایشات قرار داده شده و می‌توانید از آنها استفاده کنید.

بیننده:

بنده سؤالات خود را سریع از استاد قزوینی عزیز می‌پرسم. اولاً سؤالی از محضر استاد داشتم که وقتی شما می‌خندید، ما هم می‌خندیم.

سؤال اول این است که وقتی عده‌ای از مسلمان به «محمد حنفیه» گفتند شما وصی علی بن ابی طالب هستید، آیا این قضیه را انکار کرد یا خیر؟!

اگر ایشان این قضیه را انکار کرد، سند آن را برای ما ذکر کنید. اگر هم ایشان این قضیه را انکار نکرد، چرا ادعای امامت کرد یا اصلاً این ادعا را از خودش رفع نکرد؟! این در حالی بود که عمویش امام سجاد (علیه السلام) امام معصوم حاضر بود.

سؤال دوم بنده این است که «سید علی میلانی» در کتاب «نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار» جلد سوم صفحه 266 می‌فرماید:

«وكذبت عائشة حيث أنكرت " أن عليا كان وصيا " فيما رواه أحمد في [المسند] قائلا: " ثنا إسماعيل عن

ابن عون عن إبراهيم عن الأسود»

ایشان در ادامه روایت را ذکر می‌کند و می‌نویسد:

«قال: ذكروا عند عائشة أن عليا كان وصيا، فقالت: متى أوصى إليه؟ فقد كنت مسندته إلى صدرى، أو

قالت في حجرى، فدعا بالطست، فلقد انخث في حجرى وما شعرت أنه مات، فمتى أوصى إليه؟»

نفحات الأزهار، نویسنده: السید علی الحسینی الميلانی، ج 3، ص 266، ح 25

کسی که علناً پیغمبر اکرم را دیده و ادعا می‌کند که حضرت در کنار من و در حجره من بود با این وجود انکار وصیت و امام بر حق بودن امیرالمؤمنین را می‌کند و غدیر خم را فراموش کرد، آیا می‌توانیم به چنین شخصی به عنوان وصی الله تعالی عنه یاد کنیم و أم المؤمنین بگوییم؟!

آیا از امیرالمؤمنین تا امام حسن عسکری یا حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک روایت از ائمه اطهار (علیهم السلام) داریم که از عایشه به عنوان أم المؤمنین ولو به عنوان تقیه یاد کرده باشند؟! کسی که علناً انکار وصیت امیرالمؤمنین را می‌کند و می‌گوید:

«حيث أنكرت " أن عليا كان وصيا »

بعد می‌گوید:

«فيما رواه أحمد في [المسند]»

اگر عالم شیعه‌ای علناً بلند شود و بگوید من انکار وصیت امیرالمؤمنین را می‌کنم، آیا ما می‌توانیم حرف او را قبول کنیم و به او اهتمام بورزیم؟! آیا ما می‌توانیم نسبت به او حرفش را اخذ کنیم؟!

چرا در رابطه با علمای اهل سنت حدیث و مطالبشان برای ما حجت نیست؟! وقتی کسی علناً انکار وصایت امیرالمؤمنین را می‌کند در حالی که غدیرخم را فراموش کرده است، آیا برای ما حجت است؟!

احترام گذاشتن که دأب شیعه است، اما درست است که به او (رضی الله عنها) یا (أم المؤمنین) بگوییم؟!

این مطالب یا در منابع اهل سنت به دروغ نقل شده و دامن عایشه از این حرف‌ها پاک است یا قطعاً دامنش از این حرف‌ها پاک نیست و این‌ها را گفته است. تکلیف ما را روشن کنید. ان شاء الله خداوند متعال شما را حفظ کند، یا علی مدد، التماس دعا.

مجری:

سلامت باشید. تشکر می‌کنیم از علی آقا عزیز که با برنامه خودتان برنامه «حبل المتین» در تماس بودید. ان شاء الله حضرت استاد پاسخگوی سؤالتان خواهد بود.

آیت الله حسینی قزوینی:

برادر بزرگوارم در رابطه با «محمد حنفیه» باید مطلبی خدمت شما عرض کنم. حضرت یوسف قهرمان توحید و مبارزه با نفس است، اما قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)

نفس (سرکش)، بسیار به بدیها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند.

سوره یوسف (12): آیه 53

«محمد حنفیه» که از حضرت یوسف بالاتر و معصوم‌تر نیست. ایشان هم یک تصورات و ادعاهایی داشت. آقا امام سجاد در کنار بیت الله الحرام با ایشان مناظره کردند و خواستند تا حجرالاسود شهادت بدهد. ایشان هم پشیمان شدند.

مسائل در مورد «محمد حنفیه» زیاد است و شاید به خاطر این بود که دیگران را متوجه این قضیه کند که امام بعد امام سجاد است. شاید این قضیه همانند ماجرای حضرت ابراهیم است که می‌فرمودند:

(فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ)

هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید ستاره‌ای مشاهده کرد گفت: این خدای من است؟ اما هنگامی که غروب کرد گفت غروب کنندگان را دوست ندارم.

سوره انعام (6): آیه 76

شاید خواسته باشند با این وضع امامت امام سجاد (علیه السلام) را برای دیگران تثبیت کند. شاید هم قضیه چنین باشد. این قضایا بحث مفصلی دارد.

در رابطه با قضیه عایشه هم بحث أم المؤمنین مطرح می‌شود. این منطق قرآن است که در آیه شش از سوره مبارکه احزاب خیلی صریح می‌فرماید:

(وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)

و همسران او مادران آنها (مؤمنان) محسوب می‌شوند.

سوره احزاب (33): آیه 6

حال می‌خواهیم ببینیم مراد از امهات المؤمنین چیست. آیا یک فضیلت مهم و بالایی است که امروزه بعضی از شبکه‌های وهابی به آن افتخار می‌کنند یا اینکه تنها بار علمی أم المؤمنین بودن این است که ازدواج با آنها حرام است.

این یک موضوع فقهی است. أم المؤمنین بودن یعنی بعد از پیغمبر کسی نمی‌تواند با آنها ازدواج کند. به عنوان مثال اگر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بیایند، آیا غیر از کسانی که از فرزندان رسول اکرم و محرم هستند، مردم عادی می‌توانند حضرت را ببینند؟!

وقتی عمر بن خطاب از دنیا رفت و او را در کنار ابوبکر دفن کردند، عایشه گفت: من همیشه با چادر به این حجره می‌آیم، زیرا عمر بن خطاب به من نامحرم است و در قبر هم مرا می‌بیند.

آیا عایشه، حفصه، أم سلمه و دیگران مانند مادران مؤمنین بودند و می‌توانستند بدون پوشش بیایند؟! خیر. آیا أمهات المؤمنین به کسی محرم بودند؟! خیر.

اگر أم المؤمنین مادر باشد، ازدواج با دختر او ازدواج با خواهر می‌شود. همچنین ازدواج با خواهر او، ازدواج با خاله می‌شود.

بنابراین أم المؤمنین بودن منطبق قرآن است. مادامی که همسران پیغمبر اکرم از أم المؤمنین بودن خارج نشدند، این واژه برای این افراد هست و ما به احترام قرآن قبول می‌کنیم. حال در خصوص اینکه ایشان منکر وصایت امیرالمؤمنین شدند بحث جدایی دارد.

در ماجرای جنگ جمل وقتی هودج عایشه را هدف قرار دادند و او از بالای شتر به پایین افتاد، امیرالمؤمنین به «عمار» و «محمد» برادر عایشه فرمود: عایشه را دریابید.

افراد زیادی می‌خواستند عایشه کشته شود تا همانند جریان عثمان کشته شدن او را پیراهن عثمان دیگری درست کنند. «عمار» و «محمد» کنار کجاوه عایشه رفتند و دستشان را داخل بردند تا ببینند ضربه‌ای دیده است یا خیر. «عمار» گفت:

«کیف رأیت ضرب بنیک الیوم یا أمه»

مادر ضرب شصت فرزندانت را امروز چطور دیدی؟

«قالت من أنت»

عایشه گفت: تو چه کسی هستی؟!

«قال أنا ابنک البار عمار»

گفت: من فرزند خوب تو عمار هستم.

«قالت لست لک بأم»

گفت: من مادر تو نیستم.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج

3، ص 55، باب خبر وقعة الجمل من رواية أخرى

این روایت همچنین در کتاب «طبقات» اثر «ابن سعد» جلد سه صفحه 253 و کتاب «الکامل فی التاریخ» اثر «ابن اثیر» جلد سه صفحه 254 نقل شده است. کار به جایی رسیده است که آقای «احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» خود جلد شش صفحه 205 این قضیه را نقل کرده است.

همچنین «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد چهار صفحه 353 این قضیه را نقل کرده و می‌گوید: روایت صحیح است.

حال اینکه «عمار» او را «یا أمه» خطاب می‌کند، اما عایشه می‌گوید: "من مادر تو نیستم" یک بحث دیگری دارد. کسانی که این روایت را نقل کردند و صحیح هم دانستند، خودشان باید پاسخ بدهند.

مجری:

أحسنتم، طیب الله. حاج آقا در این جلسه هم از محضرتان بسیار استفاده کردیم. همچنین از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند تشکر می‌کنم.

ما از عزیزانی که پشت خط ماندند، عذرخواهی می‌کنیم. ان شاء الله در جلسه یکشنبه شب تماس بگیرند، ما در خدمتشان خواهیم بود. همچنین اگر فرصتی شد سؤالات متنی را هم مطرح خواهیم کرد. تا دیدار آینده خدانگهدار

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته